



قول مردونه!

نمی‌دانم این اصطلاح از کجا و چه موقع به زبان فارسی آمده است: «قول مردونه». حتماً تو هم جملاتی مانند این را شنیده‌ای: «قول بده حتماً برام این کار را می‌کنی، قول مردونه...» وقتی خیلی خیلی کوچک‌تر بودم، این اصطلاح را زیاد می‌شنیدم؛ چه بین آدم‌بزرگ‌ها، چه بین هم‌سن‌وسال‌های خودم. آن موقع، کلمه «مردونه» برایم معنای جنسیت آدم‌ها را نمی‌داد. ترکیب «قول مردونه» برایم بار معنایی متفاوتی از «قول یک مرد» داشت. من خودم معنایی روی آن سوار کرده بودم: یک قول «واقعی»! یک قول «بدون بدقولی»! قولی که حتماً باید انجام می‌شد و زیرش زده نمی‌شدا! و معنایی از این دست...

امروز داشتم مطالب یکی از شماره‌های آینده مجله را بررسی می‌کردم؛ به قول خودمان «پرونده خبر مجله» را. می‌خواستم ببینم چه کسانی هنوز مطلبشان را برای دفتر مجله نفرستاده‌اند. قرار بود خیلی پیش از این (یک ماه قبل)، مطالب آن شماره نوشته و جمع‌آوری شوند تا طبق جدول زمان‌بندی و برنامه‌ای که برای مجله وجود دارد، سایر مراحل تولید مجله پیش برود. ولی متأسفانه دوستان، «بدقولی» کرده بودند، آن هم بدقولی از نوع «مردانه»!

و بعد به این فکر کردم که اصطلاحی مانند «قول مردانه» برای یک نوجوان، چه بار معنایی دارد و چه قدر به او یاد می‌دهد که اساساً اگر قولی می‌دهد و متعهد مسئولیتی می‌شود، باید به آن مسئولیت پای بند باشد و نباید با بدقولی به دیگرانی که روی قول او حساب کرده‌اند، به آن‌ها توهین کند. و باز به این فکر کردم که شاید اگر به‌جای این کلمه «مردانه» کلمه دیگری در فرهنگ ما به دنبال «قول» رایج می‌شد، متحمل‌تر بود که افراد «خوش‌قول‌تر» و «مسئولیت‌پذیرتری» در فرهنگمان تربیت کنیم. البته این‌ها همه حدس‌ها و افکار آشفته من هستند و این نوشته را نیز بگذارید به حساب درددل یک سردبیر با خوانندگان نوجوان مجله‌اش...